



## بررسی فقهی تعدد جنایات مستوجب قصاص

نقیسه متولی زاده نایینی

استادیار دانشگاه آیت الله حائری میبد

motavallizade@yahoo.com

### چکیده

زمانی که شخصی مرتکب جنایتی علیه نفس و مادون نفس می شود و نسبت به یک شخص، جرح و قتل مرتکب می شود یا جرم مادون نفس مرتکب می شود ولی به دلائلی به قتل نفس منتهی می شود، بحث تعدد جنایات مطرح می شود و بنا به فروض مختلف و اینکه یک ضربه و یا چند ضربه باعث ایجاد جنایات شده است، احکام گوناگونی مطرح می شود. در این نوشتار به نظرات مختلف فقها در باب تداخل یا عدم تداخل قصاص در فروض مختلف پرداخته شده است که می تواند در بازنگری در موادی از قانون مجازات اسلامی که از حیث مبانی فقهی پشتیبانی نمی شود، موثر باشد.

واژگان کلیدی: جنایت، قصاص نفس، قصاص عضو، تعدد، مبانی فقهی



دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد شیراز

پورتال علمی و پژوهشی

96170-82201



## ۱- مقدمه

تعدد جنایات از مهم‌ترین و در عین حال مشکل‌ترین قواعد باب قصاص است که در فقه با عنوان کلی تداخل اسباب در جنایات و ذیل دو قاعده فقهی «تداخل قصاص» و «تداخل دیات» مورد بررسی قرار گرفته است. پرداختن به احکام این دو قاعده نیازمند تفکیک و تبیین صور گوناگونی است که به‌طور پراکنده در عبارات فقها آمده است. عمد یا غیرعمد بودن ایراد جنایات که از جمله معیارهای فقهی در تفکیک صور مسئله در نظر برخی از فقهاست، در واقع صرفاً در تعیین نوع مجازات جانی موثر است. در مواد ۲۹۶ تا ۲۹۸ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ بحث تعدد جنایات مطرح گردیده و بر اساس اینکه جنایت‌ها با یک ضربه یا چند ضربه و اینکه ضربه‌ها به صورت متوالی یا غیر متوالی وارد شده باشد، مجازات شخص مرتکب را تعیین نموده است و در برخی موارد به تداخل قصاص و در برخی از موارد نیز به عدم تداخل قصاص حکم داده شده است. در این نوشتار به بررسی فقهی تداخل یا عدم تداخل قصاص بر اساس فروض مختلف مسأله پرداخته شده و تداخل دیات مورد بررسی قرار نگرفته است.

## ۲- وقوع جنایات‌های متعدد در اثر یک ضربه

گاه یک ضربه باعث جنایت بر طرف و جنایت بر نفس شده است و گاه دو یا چند ضربه. در فرض اخیر گاه قتل مستند به همه ضربه هاست. گاه قتل مستند به یک ضربه است و جنایت بر طرف مستند به ضربه دیگر. در فرض اخیر گاه پس از بهبود جنایت بر طرف، قتل رخ داده است و گاه بی آنکه بهبود رخ دهد، قتل انجام شده است؛ پس در مجموع چهار صورت متصور است. حکم این صورت تداخل قصاص طرف در قصاص نفس است. دلیل تداخل علاوه بر اجماع (به گونه‌ای که تنها مخالف ابن ادریس است) و اینکه قتل عادتاً از جرح جدا نیست صحیحه محمدبن قیس و صحیحه حفص بن البختری است. اگر جرح و قتل به جنایت واحد باشد، مثل اینکه ضربه واحدی وارد سازد و دست او را قطع و بواسطه این ضربه فوت نماید، اصل تداخل جاری می‌شود و قصاص نفس اعمال می‌شود. (خویی، ۱۴۲۲)

محمد بن قیس از امام باقر یا امام صادق (ع) نقل می‌کند که درباره فردی که دو چشم فردی را کور کرده و دو گوش او را بریده و سپس او را کشته، فرمود: «اگر این جنایات را پراکنده انجام داده است (چند ضربه زده است) قصاص آنها از او گرفته می‌شود و سپس کشته می‌شود و اگر یک ضربه به مجنی علیه زده است، گردنش زده می‌شود و از او قصاص آن جنایت گرفته نمی‌شود.» (حرعاملی، ۱۴۱۶) اما صحیحه حفص بن البختری به این شرح است: «حفص می‌گوید از امام صادق (ع) درباره مردی سؤال کردم که ضربه‌ای بر سرش وارد شده و شنوایی و گوپایی خود را از دست داده و سپس مرده است. حضرت فرمود اگر جانی او را پیای زده است، از او قصاص جنایاتش گرفته می‌شود و سپس کشته می‌شود و اگر در اثر یک ضربه این جنایات بر او وارد شده، جانی کشته می‌شود و از او قصاص جنایاتش گرفته نمی‌شود.» (حرعاملی، ۱۴۱۶)

علاوه بر این دو روایت، می‌توان از صحیحه ابی عبیده بهره جست که امام باقر (ع) در مقام تعلیل دخول دیه شجّه در دیه عقل می‌فرماید: «لأنه انما ضرب ضربه واحده فجننت الضربه جنایتین فالزمتها اغلظ الجنایتین.» (حرعاملی، ۱۴۱۶) در این سه روایت به روشنی تبیین شده است که در اثر یک ضربه، جنایت بر طرف و جنایت بر نفس پدید آید، قصاص طرف در قصاص نفس تداخل می‌کند. بیشتر فقهای امامیه از جمله شیخ طوسی، آیت‌الله خویی، آیات عظام تبریزی و مدنی کاشانی، به استناد دلیل‌های یاد شده، قائل به تداخل شده‌اند، گرچه ابن ادریس به علت قبول نکردن خبر واحد و با استناد به ظاهر آیات قرآن همچون «الجروح قصاص» (سوره مائده، آیه ۴۵) به عدم تداخل نظر داده است و در سرائر می‌نویسد: «اذا قطع انف انسان و قلع عینیه ثم قتله اقتص منه اولاً ثم یقاد به، سواء فرق ذلك فی ضربات او كان قد ضرب ضربه واحده فجننت الضربه هذه الجنایات...» (مروارید، ۱۴۱۰) با توجه به نظر مشهور، نظریه تداخل در فرض وقوع جنایات متعدد با یک ضربه ترجیح داده می‌شود.



ویرا انور و دیوگروره انور

96170-82201

دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد زرقان



### ۳- وقوع جنایات متعدد در اثر چند ضربه

صورت دوم چنین است که چند ضربه بر شخصی وارد شود و او بمیرد و مرگش مستند به همه ضربه ها باشد. حکم این صورت نیز چنین است که قصاص اطراف در قصاص نفس تداخل می کند. مثل اینکه کسی دست و پا و گوش دیگری را ببرد و قسمت هایی از بدن او را مجروح کند و مجنی علیه در اثر خونریزی و سرایت این جنایت ها بمیرد، در این صورت قصاص اطراف در قصاص نفس تداخل می کند. برای حکم تداخل در این فرض می توان به صحیحه ابی عبیده استناد کرد. در این صحیحه، امام باقر(ع) می فرماید: «اگر جانی ده ضربه به مجنی علیه بزند و ده ضربه یک جنایت ایجاد کند، جانی را به آن جنایتی که ده ضربه آن را ایجاد کرده، ملزم می کنیم.» (حرعاملی، ۱۴۱۶). بیشتر فقهای امامیه قائل به تداخل اند. (طوسی، ۱۴۰۷) گرچه برخی نیز قایل به تداخل نیستند که شاید بتوان گفت ابن ادریس قائل به عدم تداخل است؛ زیرا وقتی او در فرض اول که یک ضربه باعث دو جنایت بر عضو و نفس شده به عدم تداخل قائل است در فرض دوم نیز به عدم تداخل قائل خواهد بود. البته شیخ در المبسوط به عدم تداخل نظر داده است و علامه حلی در مختلف آن را پسندیده است. (حلی، ۱۳۷۶)

اشکالی در اینجا مطرح می شود و آن اینکه گرچه صحیحه ابی عبیده بر تداخل دلالت دارد، اما صحیحه محمد بن قیس و حفص بر عدم تداخل دلالت دارند زیرا ملاک تداخل و عدم تداخل در دو صحیحه مزبور، وحدت و تعدد ضربه هاست و در بحث ما چند ضربه بر مجنی علیه وارد شده است.

اما این اشکال وارد نیست، زیرا گرچه هر دو صحیحه مزبور نسبت به اینکه چند ضربه با هم باعث قتل شده اند یا نه، اطلاق دارد و نمی توان گفت مستفاد از آنها فرضی است که چند ضربه با هم باعث جنایت نشده است، با وجود این می توان به استناد برخی روایات گفت که حکم صورت دوم تداخل است. در برخی روایات درباره مردی که دیگری را با عصا مضروب ساخته و آنقدر زدن را ادامه داده تا اینکه مضروب مرده است گفته شده که قاتل به اولیاء دم تحویل داده می شود تا او را قصاص نفس کنند، ولی نباید او را بازیچه، بلکه با شمشیر او را مجازات می کنند (حر عاملی، ۱۴۱۶). ظهور این روایات آن است که در فرض سرایت چند ضربه به نفس، تداخل قصاص طرف در قصاص نفس صورت می پذیرد. با این روایات می توان اطلاق روایات محل بحث را تقیید زد. (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۹)

### ۴- وقوع جنایت دیگر پس از بهبود یافتن

تصویر صورت سوم چنین است که کسی به عمد جنایتی را بر عضو دیگری وارد سازد، ولی مجنی علیه بهبود یابد و پس از بهبود یافتن جانی او را بکشد. که از منظر فقیهان امامیه احکامی بر آن مترتب می شود که آنها را بیان می کنیم:

«اگر کسی به عمد جنایتی را بر عضو دیگری وارد سازد، ولی مجنی علیه بهبود یابد و پس از بهبود یافتن جانی او را بکشد، قصاص طرف در قصاص نفس تداخل نمی کند.»؛ یعنی ابتدا دست جانی را می برند و سپس وی را می کشند. در جواهر نیز همین حکم آمده است. (نجفی، ۱۴۱۸)

مستند تداخل نکردن، صحیحه محمد بن قیس و صحیحه حفص بن البختری است که پیشتر گذشت. علاوه بر این که با بهبود یافتن، جنایت بر طرف استقرار یافته و چون قتل پس از استقرار جرح رخ داده است، هر یک از جرح و قتل، حکم خود را خواهد داشت. نظر شیخ در این مورد چنین است: «هر یک از جراحات ها حکم خاص خودش را دارد. زیرا قتل پس از اندمال یا بهبودی از جرح واقع شده است. در این صورت اولیاء مقتول، اگر جراحات اولی موجب قصاص نباشد، ارش گرفته و سپس در مورد قتل، بین قصاص و عفو یا دریافت دیه مخیرند. اگر جراحات اولی قابل قصاص باشد، مثل این که ابتدا دست مقتول را بریده و سپس او را کشته باشد اولیاء مقتول نسبت به جنایت اولی هم می توانند عفو کنند یا دیه بستانند و یا قصاص کنند و پس از آن در مورد قتل نفس هم به همین کیفیت می توانند استیفاء حق کنند یعنی یا عفو، یا قصاص و یا دریافت دیه (طوسی، ۱۳۶۵)

ممکن است اشکال شود که باید بنا به صحیحه ابی عبیده به تداخل قصاص طرف در قصاص نفس قائل شد؛ زیرا در این روایت چنین آمده است که اگر کسی دو یا سه ضربه به دیگری بزند و در نتیجه دو یا چند ضربه پدید آید، جانی به همه جنایاتش ملتزم است، مگر



دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد زاهدان

مركز پژوهش‌های علمی  
دانشگاه آزاد اسلامی

96170-82201



اینکه یکی از جنایات ها مرگ باشد که در این صورت جانی فقط قصاص نفس می شود ( حرعاملی، ۱۴۱۶). مطابق این روایت وقتی یکی از جنایات ها مرگ باشد باید به تداخل قصاص طرف در قصاص نفس قائل شد.

اما این اشکال وارد نیست و کماکان باید به عدم تداخل معتقد بود؛ زیرا مورد این صحیحه در جایی است که ضربه ها پی در پی بوده و فاصله زمانی میان آنها نباشد؛ اما اگر دو ضربه از نظر زمانی متوالی باشند مثل اینکه یک ضربه وارد سازد و دست او را قطع کند، سپس ضربه دومی وارد سازد و او را به قتل رساند، آیا حکم به تداخل می شود؟ در آن اشکال و اختلاف وجود دارد، اقرب عدم تداخل است. (خویی، ۱۴۲۲) علاوه بر آنکه اگر صحیحه ابی عبیده شامل این فرض باشد، نتایجی به بار می آورد که بسیار بعید است کسی بدان ملتزم باشد. برای مثال اگر کسی دست دیگری را قطع کند و پس از یک سال دست دیگرش را قطع کند و یک سال بعد پایش را و یک سال پس از آن پای دیگرش را قطع کند و در سال پنجم او را بکشد، در صورتی که مجنی علیه استیفای قصاص عضو نکرده باشد، جز قصاص نفس چیزی بر عهده جانی نخواهد بود!! روشن است چنین مطلبی ناصحیح است. (خوانساری، ۱۳۶۶) بنابر این، حکم این فرض، عدم تداخل قصاص طرف در قصاص نفس است.

#### ۵- وقوع جنایت دیگر پیش از بهبود یافتن

صورت چهارم، موردی است که کسی دیگری را به عمد مجروح کند و پیش از آنکه او بهبود یابد، وی را عمداً بکشد (با ضربه ای دست مجنی علیه را قطع کرده و بلا فاصله با ضربه دیگر او را کشته است). در این مورد سه قول در میان فقهاء دیده می شود: تداخل، عدم تداخل و تفصیل میان جنایات متوالی و متفرق.

برخی فقهاء همچون شیخ طوسی در المبسوط به تداخل قصاص طرف در قصاص نفس عقیده دارند. (طوسی، ۱۳۶۵)

اما بیشتر فقهاء همچون شیخ طوسی در الخلاف و نهاییه، ابن زهره، ابن ادریس، محقق حلی، و آیات عظام خویی، مدنی کاشانی، تبریزی و فاضل لنکرانی به عدم تداخل نظر داده اند. ( حاجی ده آبادی، ۱۳۸۹)

نظر سوم از آن امام خمینی است. وی با تفصیل میان ضربات متوالی و متفرق به تداخل در فرض اول و عدم تداخل در فرض دوم عقیده دارد. (موسوی خمینی، بی تا) البته منظور وی از ضربات متوالی و متفرق ضربات متقارب و غیرمقارب است؛ یعنی اگر زمان میان ضربه ها کم باشد، تداخل صورت می گیرد و اگر فاصله زیاد باشد قصاص طرف در قصاص نفس تداخل نمی کند.

دلیل قائلان به تداخل دو چیز است: یکی صحیحه ابی عبیده که پیشتر گذشت و دیگری روایاتی است که می گویند اگر قاتل مجنی علیه را با مثله کردن کشته باشد، نمی توان او را مثله کرد و فقط می توان او را قصاص نفس کرد. (طوسی، ۱۳۶۵)

دلیل قائلان به عدم تداخل آن است که در فرض مسئله از یک سو صحیحه ابی عبیده بر تداخل قصاص طرف در قصاص نفس دلالت می کند؛ زیرا در این صحیحه بیان شده که اگر جانی چند ضربه به دیگری بزند و هر ضربه جنایتی را باعث شود، جانی به جنایاتش ملتزم می شود مگر این که در این میان مرگ رخ داده باشد، که در این صورت جانی فقط قصاص نفس می شود. از سوی دیگر نیز صحیحه محمد بن قیس و به خصوص صحیحه حفص که پیشتر مطرح شد، بر عدم تداخل دلالت دارند؛ زیرا در این دو صحیحه معیار تداخل دو جنایت، وحدت ضربه و میزان عدم تداخل تعدد ضربه دانسته است. در نتیجه میان صحیحه ابی عبیده از یک سو، و دو صحیحه مزبور از سوی دیگر تعارض واقع می شود و در این میان چون جمع دلالتی میان این دو گروه ممکن نیست باید یکی را بر دیگری ترجیح داد و دو روایت اخیر بر صحیحه ابی عبیده ترجیح داده می شود. که مرجحات دو صحیحه، موافقت با کتاب که برخی آیات (سوره بقره، آیه ۱۹۰ و سوره مائده آیه ۴۵) که اقتضا دارد که هر جنایتی اثر خود را داشته باشد. از طرفی استصحاب نیز مرجح دیگری است به این بیان که به محض آنکه جانی جنایت را بر طرف ایجاد کرد، ضامن قصاص یا دیه آن است. آنگاه که مجنی علیه را می کشد، اگر شک کنیم جانی ضامن قصاص یا دیه مادون نفس است یا نه، با استصحاب ضمان، استصحاب ضمان، قصاص یا مادون نفس اثبات می شود (مدنی کاشانی، ۱۴۰۸ و مروراید، ۱۴۱۰)

دلیل قائلان به تفصیل: امام خمینی دلیلی برای مدعی خود ذکر نکرده است. شاید بتوان برای قول ایشان به صحیحه محمد بن قیس و حفص استناد کرد و چنین گفت که مراد از یک ضربه آن است که یا واقعا ضربه بیشتر رخ نداده باشد یا اگر چند ضربه رخ داده است





دانشگاه شیراز

96170-82201

دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد شیراز



فاصله میان ضربه ها آنقدر کم باشد که عرفاً یک ضربه محسوب شود. به بیان دیگر در صحیح محمد بن قیس که حضرت میان ضربات متفرق و ضربه واحد در عدم تداخل و تداخل تفاوت گذاشته است، مراد از ضربات متفرق، ضربات با فاصله زمانی است و مراد از ضربه واحد آن است که یا واقعا یک ضربه باشد یا عرفاً یک ضربه محسوب شود. در جایی که چند ضربه متوالی و متقارب به کسی زده شود، عرفاً یک ضربه به شمار می رود و در نتیجه باید به تداخل معتقد شد. قائلان به عدم تداخل، به مطالب ذکر شده چنین پاسخ داده اند که مراد از ضربات متفرق در صحیح محمد بن قیس، به قرینه مقابله آن با ضربه واحد ضربات متعدد است، چه متقارب باشد یا نه، تداخل صورت نمی پذیرد (خویی، ۱۴۲۲)

به نظر می رسد عقیده قائلان به عدم تداخل صحیح است. بنابراین، حکم چهار صورت مسئله به طور خلاصه چنین است که در صورت اول و دوم، قصاص طرف در قصاص نفس تداخل می کند، اما در صورت سوم و چهارم قصاص طرف در قصاص نفس تداخل نمی کند. البته در این دو صورت، قصاص آخرین جنایتی که منجر به مرگ شده است در قصاص نفس تداخل می کند. (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۹) لازم به ذکر است که اگر کسی عمداً جنایتی مادون نفس را انجام دهد و مجنی علیه بمیرد، در حالی که نه عمل نوعاً کشنده بوده و نه اینکه به قصد قتل صورت گرفته باشد، برخی فقها قائلند که قتل صورت گرفته عمد نمی باشد بلکه شبه عمد است و قاتل موظف به پرداخت دیه نفس است. (خویی، ۱۴۲۲) مثلاً کسی عمداً بدون اینکه قصد قتل داشته باشد انگشتان دست دیگری را قطع نماید و مجنی علیه در اثر خونریزی شدید، بمیرد و فرض آن است که بریدن انگشت، عمل نوعاً کشنده نیست. حال اگر به تداخل اجباری قائل شویم، ولی دم تنها می تواند از قاتل دیه نفس بگیرد. ولی اگر به تداخل اختیاری معتقد باشیم، ولی دم می تواند از دیه نفس صرف نظر نماید و تقاضای قصاص جنایت مادون نفس کند و قاتل به آن محکوم می شود.

بر عکس قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ که قاعده تداخل قصاص در آن جایگاه و مقررات مناسبی نداشت در مواد ۲۹۶ تا ۲۹۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به تفصیل در مورد تداخل یا عدم تداخل قصاص بحث شده است. با وجود افزایش کمی مقررات مربوط به این قاعده، برخی نوآوری های قانون از حیث مبانی فقهی پشتیبانی نمی شود و برخی دوگانگی ها در قانونگذاری دیده می شود که نیازمند بازنگری جدی است؛ از جمله اینکه مطابق قانون جدید، اگر کسی بدون اینکه قصد قتل داشته باشد یا اینکه عمل او نوعاً کشنده باشد، جراحاتی را عمداً بر عضو دیگری وارد سازد که به مرگ او منجر شود، چنین قتلی گرچه شبه عمد به شمار می رود، قاتل علاوه بر دیه نفس به قصاص عضو نیز محکوم می شود. این موضوع متأثر از دیدگاه برخی از فقها در قانون مطرح شده در حالی که نظر مشهور بر خلاف نظر ایشان می باشد. همچنین در جایی که چند ضربه متوالی موجب قتل دیگری شده، قانون به تداخل قصاص اعضا در قصاص نفس قائل است. این در حالی است که در ضربات غیرمتوالی، جانی علاوه بر قصاص نفس به قصاص جنایت بر اعضا جز جنایت ماقبل آخر نیز محکوم می شود، با آنکه مرگ فقط در اثر ضربه آخر نبوده و در اثر مجموع ضربات بوده است.

## ۶- نتیجه گیری

از مهم ترین قواعد باب قصاص، قاعده تداخل قصاص است که در دو حوزه تداخل قصاص عضو در قصاص نفس و تداخل قصاص عضو در قصاص عضو مطرح می شود. تداخل و عدم تداخل هنگامی مطرح خواهد شد که دو جنایت انجام گرفته باشد. مقصود از تداخل آن است که برای جنایت داخل شده، قصاص وجود ندارد و جانی به قصاص جنایت دوم یعنی جنایت شدیدتر که بر حسب مورد ممکن است نفس یا عضو باشد، محکوم می شود؛ مثلاً اگر کسی دست دیگری را به قصد قتل ببرد و او بمیرد، قصاص عضو در قصاص نفس داخل می شود و جانی تنها به قصاص نفس محکوم خواهد شد. قاعده مذکور از مباحث مشکل باب قصاص محسوب می شود. مورد گفته شده زمانی است که هر دو جنایت با یک ضربه ایجاد شده است. در صورتی که چند ضربه جنایات متعددی را باعث شده باشد، بسته به اینکه ضربات به صورت متوالی یا غیر متوالی وارد شده است بحث تداخل و عدم تداخل مطرح می شود.

قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ بر خلاف قانون قبلی، مواد بیشتری را به موضوع تداخل جنایات اختصاص داده است و از نکات مثبت قانون بوده و به بسیاری از ابهامات موجود در این زمینه خاتمه داده است، اما برخی از مواد از مبانی فقهی مستحکمی برخوردار نیست.



وزارت آموزش عالی و تحقیقات علمی



96170-82201



دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد زنجان



### منابع و ماخذ

- ۱- حاجی ده آبادی، (۱۳۸۹)، قواعد فقه جزایی ، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۲- حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۶.ه.ق)، وسایل الشیعه، چاپ سوم، قم، مؤسسه آل البيت (ع).
- ۳- خوانساری، سید احمد، (۱۳۶۶.ه.ق)، جامع المدارک، قم، اسماعیلیان.
- ۴- خوبی، ابوالقاسم، (۱۴۲۲.ه.ق)، مبانی تکمله المنهاج، قم، مؤسسه احیاء آثار الخویی.
- ۵- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۷.ه.ق)، الخلاف ، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۶- طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۶۵.ه.ق)، تهذیب الاحکام، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- ۷- مدنی کاشانی، رضا، (۱۴۰۸.ه.ق)، کتاب الدیات، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۸- مروارید، علی اصغر، (۱۴۱۰)، سلسله الینابیع الفقهیه، بیروت، دار التراث
- ۹- موسوی خمینی، تحریر الوسیله، (بی تا)، قم، مؤسسه النشر الاسلامی
- ۱۰- نجفی، محمد حسن، (۱۴۱۸.ه.ق)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، دار الاحیاء التراث.